

تهدیدات تروریستی حکومت اسلامی و ضرورت خانه تکانی امنیتی در تشکل های خارج کشور اپوزیسیون!

یادداشت روز بهرام رحمانی
bamdadpress@ownit.nu

سران و مقامات تبه کار حکومت اسلامی ایران، به دلیل این که با اعتراضات گس ترده و فزاینده و رادیکالی روبرو هستند و بحران اقتصادی و سیاسی شان نیز روزبروز عمیق تر و همه جانبه تر می-شود، آن چنان به هراس افتاده اند که وحشی گری های خود را با بازداشت و زندانی کردن فعالین جنبش کارگری، زنان و دانشجویی، اعدام ها در داخل کشور و تهدیدات تروریستی در خارج کشور گسترش داده اند.

در هفته های اخیر چندین مقام امنیتی و نظامی حکومت اسلامی ایران، تشکل های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور را تهدید کرده اند تا دست از مبارزه و ادامه حمایت از خیزش میلیونی مردم ایران بردارند.

یکی از آشکارترین تهدیدها از سوی سرتیپ مسعود جزایری، معاون رییس ستاد کل نیروهای مسلح ایران ابراز شده است. او، در مصاحبه ای با یک روزنامه حکومتی در تهران، سخن از «به چالش کشیدن جدی» اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور به میان آورده است. وی در این مصاحبه گفته است نهادهای امنیتی ایران توانسته اند تبعیدی های ایرانی پشتیبان اعتراضات پس از انتخابات در ایران را شناسایی کنند.

جزایری، معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح حکومت اسلامی با تاکید بر شناسایی بسیاری از معترضان در داخل و خارج از ایران وعده داده است که با آن ها چه در داخل و چه در خارج از کشور در زمان مناسب برخورد خواهد شد. جزایری، همزمان با تظاهرات راهپیمایی روز 13 آبان 1388، در اظهاراتی که در روزنامه کیهان منتشر شد، از این اعتراضات با عنوان «فتنه» و «کودتای آمریکایی-انگلیسی» یاد کرد و گفت: «تاکنون طیف قابل ملاحظه ای از پیاده نظام جریان فتنه شناسایی و به موقع با آن ها برخورد خواهد شد.» او همچنین تهدید کرد که «جمهوری اسلامی ایران در عین سعه صدر، نمی تواند به عناصر برانداز و دنباله های کودتای نرم اجازه فتنه گری بدهد و چنانچه ناچار شود حتی خواهد توانست عقبه های برون مرزی کودتا را با چالش جدی مواجه سازد.»

این یابو گویی های مقامات امنیتی حکومت اسلامی در حالی ابراز می شود که حکومت شان پرونده سنگینی در سازمان دهی و پیش برد فعالیت های جاسوسی و تروریستی به ویژه در ترور ده ها تن از فعالین سیاسی و فرهنگی در خارج و داخل کشور دارد.

چنین تهدیداتی تازگی نداشته و هدف حکومتیان آفریدن رعب و وحشت در داخل و خارج کشور است. اما اکنون همگان می دانند که چنین تهدیداتی بی تاثیر است. زیرا مردم با اعتراضات میلیونی خود در خیابان های شهرهای کشور، کارخانه ها، دانشگاه ها و غیره حکم رفتن حکومت اسلامی را با قاطعیت و شهامت بی نظیری صادر کرده اند. بنابراین، تهدید مخالفین توسط مقامات امنیتی حکومت اسلامی، نه نقطه قوت آن ها، بلکه برعکس نقطه ضعف و ترس شان را به نمایش می گذارد.

اخیرا گزارشی به نام «پانوراما» در تلویزیون شبکه یک آلمان منتشر شده است که بار دیگر توجه افکار عمومی جهان و به ویژه فعالین سیاسی و فرهنگی ایرانی را به خود جلب کرده است. مانفرد موک (Manfred Muck)، معاون سرپرست سازمان «حفاظت از قانون اساسی» (Verfassungsschutz) ایالت هامبورگ، هشدار داده است که نیروهای امنیتی حکومت ایران معترضان ایرانی را که در خارج تظاهرات می کنند، می پایند و می کوشند آنان را شناسایی کنند.

«حفاظت از قانون اساسی» عنوان یک دستگاه اطلاعاتی و امنیتی در آلمان است. سازمان «حفاظت از قانون اساسی» زیر نظر وزارت کشور قرار دارد، هم در سطح کشوری و هم در سطح ایالتی. هشارد مانفرد موک، مقام امنیتی آلمانی در برنامه ای به نام «پانوراما» در شبکه یک آلمان (ARD) ابراز شده است (زمان پخش برنامه: پنجشنبه ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹، ساعت ۲۱:۴۵ به وقت آلمان). برنامه «پانوراما» حاوی گزارشی است که نشان می دهد عوامل حکومت ایران به اشکال مختلف مخالفان حکومت را تهدید می کنند و زیر فشار قرار می دهند.

گزارشگران «پانوراما» در این باره تحقیق وسیعی کرده اند. تحقیقات آن ها هم معطوف به اپوزیسیون است و هم اقدامات جاسوسی «سفارتی»ها است. در گزارش آمده است که معترضان نامه های تهدیدآمیز دریافت کرده اند و بعضا خانواده هایشان در ایران زیر فشار قرار گرفته اند. در برنامه «پانوراما» تاکید شده است که وزارت خارجه آلمان در پی پرسش گزارشگران این برنامه، کتبا تایید کرده که حکومت اسلامی ایران، به طور مدام از آلمان خواهان اعمال محدودیت بر آزادی ایرانیان مقیم آلمان در بیان نظراتشان شده است. اما علی رضا شیخ عطار، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان، این موضوع را تکذیب کرده است. طبیعی است که ایشان اعمال غیرانسانی حکومتشان را تکذیب نماید.

در برنامه «پانوراما» آمده است که حکومت اسلامی ایران، برای زیر نظر داشتن مخالفان خود جاسوس گیری می کند. در این برنامه یک مورد مستند شده است. یک ایرانی مقیم برلین به نام «رحیم ترکاشوند» شرح می دهد که پنج سال پیش در سفر به ایران دستگیر شده، یک هفته در زندان بوده و زیر فشار قرار گرفته که وقتی به آلمان برگشت برای این حکومت خبرچینی کند. او می گوید که از ترس می پذیرد، اما پس از برگشت به آلمان به نزد پلیس می رود و ماجرا را شرح می دهد. دستگاه قضایی آلمان، گفته های ترکاشوند را تایید کرده است. دادستان به گزارشگران تلویزیون آلمان گفته است که پس از آن که یک خبرچین حکومت اسلامی ایران اطلاعات خود را در اختیار پلیس آلمان گذاشت، در این کشور بررسی متمرکزی در مورد فعالیت های جاسوسی حکومت ایران علیه مخالفان این حکومت آغاز شد.

دستگاه امنیتی آلمان این فعالیت ها را زیر نظر دارد. مانفرد موک، معاون سرپرست سازمان «حفاظت از قانون اساسی» ایالت هامبورگ، گزارش برنامه تلویزیونی «پانوراما» در مورد فعالیت های عوامل حکومت ایران علیه منتقدان خود را تایید کرده و گفته است اطلاع دارند که به ویژه در هامبورگ عوامل حکومت اسلامی هم برای شناسایی مخالفان در تظاهرات شرکت می کنند. او گفته است «ما شواهدی در دست داریم که نشان می دهد عوامل رژیم از تظاهرات عکس برداری می کنند و هدفمندانه در صدد شناسایی مخالفان هستند.»

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، باز هم چنین خبرهایی را تکذیب کرده است. شیخ عطار در مصاحبه با «پانوراما» گفته است که دستگاه امنیتی ایران تکنیک هایی دارد برای آن که بدانند در هر نقطه از جهان چه می گذرد و از این رو به جاسوس گیری نیاز ندارد.

البته جاسوسی عوامل حکومتی اسلامی در خارج کشور در میان اپوزیسیون، محدود به کشور آلمان نبوده و در کشورهای دیگر نیز دیده شده است. برای مثال، کشور سوئد، برای جاسوسان و تروریست های حکومت اسلامی، کشور امنی است. زیرا تاکنون دولت سوئد، به دلیل حجم کلان معاملات اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی ایران، همواره به فعالیت تروریست ها و جاسوسان این حکومت در این کشور، چشم بسته است. هنگامی که ماجرای جاسوسان حکومت اسلامی بیخ پیدا می کند، سازمان امنیت سوئد (سیو)، آن ها را بی سر و صدا از کشور اخراج می کند، بدون این که کمترین اطلاعاتی به احزاب و سازمان ها و فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که جاسوسان حکومت اسلامی، از آن ها جاسوسی شده و به ویژه خانواده آن ها را در ایران در معرض خطر قرار داده است، بدهد.

دولت سوئد تاکنون، ده ها جاسوس حکومت اسلامی بی سر و صدا را از این کشور اخراج کرده است. شاید بعد از اخراج جاسوسی در گوشه روزنامه ای به عنوان یک خبر حاشیه ای مطرح گردیده است.

اما اکنون، برای اولین بار پس از این که حکم اخراج یک جاسوس حکومت اسلامی رسماً اعلام شد و به روزنامه‌ها هم کشید، در حالی که این جاسوس هنوز هم آزادانه در استکهلم پرسه می‌زند. در رابطه با اخراج او، روزنامه پرتیراژ سوئدی مانند مترو، سلسله گزارشاتمی همراه با اسناد پلیس امنیتی (سپو) و مصاحبه با مسئولین پرونده او در اداره مهاجرت سوئد و گفتگو با سفیر وقت حکومت اسلامی در استکهلم را پخش کرده بود.

جاسوس یاد شده «مجید دراز گیسوی صادقی» (محمد جواد صبوری) نام داشت که از طریق اداره یک رادیو محلی در استکهلم با بخشی از «اپوزیسیون راست»، ارتباط نزدیکی برقرار کرده بود و حتی در جلسات و تجمعات آنها شرکت می‌کرد. معلوم شد که ایشان نه پزشک، نه فعال جنبش دانش‌جویی، نه کارمند سازمان ملل و...، بلکه از اعضای سپاه پاسداران، این ارگان سرکوب و تروریست و مخوف جمهوری اسلامی است. همین قدر بگویم شماره نظام پزشکی... که صادقی استفاده می‌کرد و بر روی اسناد پزشکی جعلی او قرار دارد، یک شماره نظام پزشکی واقعی در ایران و متعلق به یک دندانپزشک در شهر تبریز، در آدرس... است که او هرگز به خارج از ایران نیز سفر نکرده و صادقی را هم نمی‌شناسد.

مقامات سوئدی، با فشار فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی و اسنادی که در اختیار آنها قرار داده بودند، رفت و آمدهای مأمورین سفارت حکومت اسلامی و صادقی و ارتباط آنها با همدیگر را جدی‌تر زیر نظر گرفتند تا این که با پیگیری روزنامه سوئدی «مترو»، که اسناد پلیس امنیتی سوئد (سپو) هم در اختیار آن قرار گرفته بود، این مورد به گوش افکار عمومی جامعه سوئد هم رسید. گزارشگران مترو در پیگیری‌های خود، به جاسوس دوم حکومت اسلامی که با صادقی در ارتباط بود نیز دست یافته بودند. او، یک افسر اطلاعاتی در سفارت حکومت اسلامی در استکهلم بود که به گفته مقامات امنیتی سوئد، وی از این کشور اخراج گردید.

باین ترتیب حکومت اسلامی ایران، نه در حال حاضر، بلکه سی سال است که در داخل کشور علاوه بر سرکوب‌های وحشیانه در خیابان‌ها و اماکن کار و تحصیل، انسان‌های بی‌شماری را نیز در زندان‌ها اعدام و یا در زیر شکنجه از بین برده است؛ در خارج کشور نیز فعالین اپوزیسیون را تعقیب و تهدید و حتی در کشورهای مختلف جهان ترور کرده است.

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات مردم در داخل کشور، فعالیت ارگان‌های نظامی و امنیتی حکومت اسلامی در خارج کشور هم فعال شده‌اند تا در هر سطحی که بتوانند ضربه‌ای به نیروهای اپوزیسیون به ویژه اپوزیسیون چپ سرنگونی طلب وارد کنند. آنها عوامل نفوذی خود در تشکل‌های سیاسی، دمکراتیک و فرهنگی را فعال کرده‌اند تا بلکه از طریق آنها، این تشکل‌ها را از درون متلاشی نمایند. دروغ‌گویی، پرونده‌سازی، افترازنی، تفرقه‌اندازی در میان اعضا و فعالین و مسئولین این تشکل‌ها نیز یکی از اعمال شناخته شده عوامل نفوذی حکومت اسلامی در تشکل‌هایی است که نفوذ کرده‌اند. این عوامل نفوذی با ظاهری رادیکال در مخالفت با حکومت اسلامی، در عین حال می‌کوشند به هر دستاویزی متوسل شوند تا هرگونه فعالیت جدی علیه حکومت اسلامی را خنثی کنند. راه انداختن جنگ روانی بین اعضا و فعالین این تشکیلات‌ها و تهمت و افترازنی و تفرقه افکنی با ظاهری رادیکال اما بی‌عمل، از جمله شیوه‌هایی هستند که عوامل نفوذی دنبال می‌کنند. از این‌رو، ضروری است فعالین و مسئولین تشکل‌های سیاسی، دمکراتیک و فرهنگی کمی عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر به دور و بر خود بنگرند و یک خانه‌تکانی جدی درون تشکیلاتی را در دستور فعالیت‌های خود قرار دهند، بدون این که رعب و وحشت بیافرینند و حق و حقوق انسانی و اجتماعی کسی را زیر پا بگذارند. مسلماً باید در هر شرایطی، عدالت رعایت شود تا هیچ فردی بی‌جهت تحت فشار قرار نگیرد. علاوه بر این‌ها، عوامل حکومت اسلامی، مستقیماً نیز تشکل‌هایی را در پوشش فرهنگی ایجاد می‌کنند و یا با نفوذ در رسانه‌های گروهی و فرهنگی اهداف غیرانسانی خود را پیش ببرند.

در بسیاری مواقع به دلیل این که این عوامل موفق نمی‌شوند ترور شخصیت فعالین مورد نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را آن طوری که مورد نظرشان است پیش ببرند و آنها را منزوی نمایند،

نیروهای امنیتی حکومتی اسلامی در داخل کشور، خانواده آنها را تهدید می‌کنند و از آنها می‌خواهند که به فلان فعال و چهره سیاسی و فرهنگی شناخته شده فشار بیاورند تا دست از فعالیت علیه حکومت اسلامی بردارد. حتی در مواردی که تهدیدات و زورگویی هایشان موثر نمی‌افتد به ر شوهدی هم متوسل می‌شوند.

لازم به یادآوری است که سال گذشته، پلیس امنیتی سوئد خبر داده بود که برخی از زندانیان سیاسی سابق، با عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی در کشورهای مختلف در ارتباط هستند و اطلاعات فعالین سیاسی و تشکل‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در اختیار رابطین اطلاعاتی خود قرار می‌دهند. شکی نیست که بسیاری از زندانیان سیاسی سابق در افشای سیاست های وحشیانه حکومت اسلامی، نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند و کارنامه درخشانی در مقاومت در مقابل شکنجه‌گران و مبارزه در داخل و خارج کشور دارند. تنها تعداد انگشت شماری از زندانیان سیاسی سابق که در زندان نیز سابقه «توایی» و یا همکاری با زندان بانان و بازجویان خود داشته‌اند و پس از آزادی نیز بلافاصله کار رسمی دولتی گرفته‌اند و یا مثلاً برای فعالیت فرهنگی و اجتماعی از مجوز رسمی حکومتی برخوردار بوده‌اند به خارج اعزام شده‌اند تا در تشکل های سیاسی و اجتماعی نفوذ کنند و برای حکومت جاسوسی نمایند. این‌ها در واقع قربانیان سیاست های غیرانسانی حکومت اسلامی هستند. از این‌رو، یکی از ضرورت‌های مبارزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سالم نگاه داشتن فضای حاکم بر این فعالیت‌ها، به ویژه در این دوره حساس این است که نسبت به اقدامات و عملکردهای این افراد معذور، توجهی بیشتری شود.

با توجه به وقایع و رویدادهای اخیر و تعمیق و گسترش مبارزات مردمی در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سران و مقامات امنیتی - انتظامی حکومت اسلامی و در راس همه علی‌خامنه‌ای، احمدی‌نژاد و فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات تصمیم گرفته‌اند که بخش اطلاعات و به ویژه برون مرزی سپاه را نسبت به گذشته، فعال تر کنند و وظایف جدید را به عهده آن واگذار نمایند.

شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه انجام سیاست های امنیتی کشور را بین نهادهای مختلف تقسیم کرده است. وظیفه سپاه پاسداران در این میان نصب دکل های ارسال پرازیت روی فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی است.

روز سه شنبه ۱۰ نوامبر 2009 - ۱۹ آبان 1388، در حاشیه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، فاش شد که شورای عالی امنیت ملی، وظیفه اجرایی کردن سیاست‌های امنیتی کشور را میان نهادهای انتظامی و امنیتی مختلف تقسیم کرده است. در این میان نیروهای انتظامی وظیفه کنترل ارتباطات اینترنتی و سپاه پاسداران وظیفه نصب دکل های ارسال‌کننده پرازیت بر روی فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی را به عهده گرفته‌اند.

روح‌الله حسینیان، نماینده مجلس شورای اسلامی و از عوامل قدیمی امنیتی و هم‌چنین مدافع سرسخت احمدی‌نژاد، روز سه شنبه 19 آبان، پس از جلسه علنی مجلس به خبرنگار اعتماد گفت: «موارد امنیتی چون نصب دکل های ارسال پرازیت، ورود دستگاه های متعدد امنیتی به حوادث پس از انتخابات، واگذاری نظارت بر اینترنت به نیروی انتظامی، تدابیری است که از سوی شورای عالی امنیت ملی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان نظام اتخاذ شده است.»

این نماینده اصولگرای مجلس شورای اسلامی، در ادامه توضیح داد: «نظارت بر اینترنت به نیروی انتظامی به این دلیل صورت گرفته که اینترنت یک فضای رسانه ای وسیع است و ابعاد مختلف امنیتی، فرهنگی و سیاسی دارد و نظارت بر آن نیازمند ورود نیروهای متعدد است.» به گفته حسینیان، فیلترینگ و محدود کردن سایت ها و وبلاگ ها قبلاً از سوی وزارت ارشاد صورت می‌گرفت، پس از مدتی به وزارت اطلاعات سپرده شد و هم‌اکنون بخشی از آن به نیروی انتظامی واگذار شده است.

او، افزود: «وظیفه سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، وزارت ارشاد و مخابرات، در مورد رسانه های مجازی جزء به جزء روشن شده است. به این ترتیب که وزارت ارشاد و مخابرات مجری محسوب می‌شوند و سپاه و نیروی انتظامی ناظر و مسئول تامین امنیت هستند.»

بنا به گفته روح الله حسینیان، شورای عالی امنیت ملی از چندی پیش مسئولیت نصب دکل های ارسال پرازیت را به سپاه پاسداران سپرده است.

فرمانده نیروی انتظامی اخیرا اعلام کرد که این نیرو نظارت بر اینترنت را به عهده گرفته است. هم-زمان با اظهارات حسینیان، شهاب الدین صدر رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی خبر داد که مجلس، تحقیق درباره اثرات ارسال پرازیت بر سلامت مردم را، در دستور کار قرار داده است. پیش از این، بسیاری از کارشناسان هشدار داده بودند که ارسال پرازیت بر سلامت مردم اثر منفی می گذارد. به گفته شهاب الدین صدر، اثبات درستی یا نادرستی این ادعا نیازمند مطالعات عمیق و دقیقی است که به این زودی‌ها به نتیجه نخواهد رسید.

از سوی دیگر، سردار مسعود جزایری معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح به خبرنگار اعتماد گفت که برای مبارزه با عملیات روانی «دشمن» دو ستاد جداگانه تشکیل شده است. وی درباره محل تشکیل این ستادها و وظایف مشخص آنها توضیحی نداد.

این حکومت تاکنون ده‌ها تن از فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را در داخل و خارج کشور ترور کرده است. سران حکومت اسلامی دشمن درجه یک آزادی بیان و قلم و اندیشه هستند. اگر روزی روزگاری آرشیو پلیس مخفی دولت های اروپایی در رابطه با فعالیت های جاسوسی و تروریستی حکومت اسلامی به روی جامعه و رسانه ها باز شود با انبوهی از پرونده و اسناد جاسوسی و تروریستی حکومت اسلامی روبرو خواهیم شد. دست‌کم در کشورهای فرانسه، آلمان، آرژانتین و ترکیه، یا تروریست‌های حکومت اسلامی دستگیر شده‌اند و یا غیابا پرونده آن‌ها توسط دادگاه‌های این کشورها مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت رسماً اعلام شده است که بالاترین مقامات حکومت اسلامی ایران، فرمان ترور مخالفین خود را صادر کرده‌اند. بنابراین، حکومت اسلامی در کلیت خود، حکومتی تروریست و جانی و وحشی است و جایی جز گورستان تاریخ برای آن، متصور نیست.

شکی نیست که سران و مقامات حکومت اسلامی، برای بقاء حکومت شان به هر جنایتی متوسل می‌شوند؛ به ویژه اکنون که حکومت شان در معرض سرانگیزی قرار گرفته است تنها بقاء خود را در سرکوب و کشتار و رعب و وحشت و ترور می‌بیند. اما اعتراضات میلیونی اخیر و مقاومت با شکوه مردم و در پیشاپیش همه شهامت و جسارت تحسین برانگیز جوانان دختر و پسر، شور و شوقی فزاینده‌ای در جامعه به بار آورده است که دیگر تهدیدات سران و مقامات حکومت اسلامی کارساز نیستند. بنابراین، حکومت اسلامی هیچ راهی جز عقب‌نشینی در مقابل قدرت و خواست‌های مردم جان به لب رسیده و اضمحلال ندارد. حکومت اسلامی ایران، حکومت جهل و جنایت و ترور است که تاریخ مصرف آن به پایان رسیده است.

تداوم و تشدید فشار بر فعالین جنبش‌های اجتماعی حق‌طلب و عدالت‌جو و به محاکمه کشیدن آن‌ها و تهدیدات تروریستی همگی بیانگر این واقعیت است که حکومت اسلامی، از به میدان آمدن آگاهانه و متحد کارگران و همه مردم آزاده، به شدت سراسیمه و نگران است. ما هر روزه شاهد ده‌ها اعتصاب و اعتراض کارگری و دانشجویی در شهرهای مختلف کشور هستیم. توده مردم از هر موقعیتی و فرصتی برای نشان دادن خشم و نفرت خود از حکومت اسلامی بهره برداری می‌کنند. بنابراین، این روندی اعتراضی اجتماعی سرکوب‌شدنی نبوده و روز بروز هدفمندتر و رادیکال‌تر می‌شود.

در چنین شرایطی، تنها با عزم و اراده و همبستگی مبارزاتی کارگران، زنان، دانشجویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، هنرمندان و همه مردم آزاده است که می‌توان سرکوب‌ها، توطئه‌ها، خرابکاری‌ها و اعمال جاسوسی و تروریستی و جانپاره حکومت اسلامی و ارگان‌های سرکوب آن را در دستیابی به اهدافش ناکام گذاشت.